

دستور زبان ادبی معاصر فارسی

یوری آرونویچ روبینچیک

برگردان از زبان روسی:

دکتر مریم شفق

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه: روبینچیک، یوری آرونوویچ، ۱۹۲۳ - م .

Rubinchik, IUrii Aronovich

عنوان و نام پدیدآور: دستور زبان ادبی معاصر فارسی/یوری آرونوویچ روبینچیک : مترجم مریم شفق.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۷۶۸ص: جدول.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۶-۵۷۶-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Грамматика современного персидского литературного

языка, 2001.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فارسی - دستور

شناسه افزوده: شفق، مریم، ۱۳۵۲ - مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ PIR۲۶۸۸/۹۲۵۵

رده بندی دیویی: ۳۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۰۰۲۱۲



دستور زبان ادبی معاصر فارسی

مترجم: یوری آرونوویچ روبینچیک

مترجم: دکتر مریم شفق

ویراستار: دکتر مجید فیروزی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

نسخه بردار: فرزانه صادقیان

آماده سازی: عرفان بهار دوست

حروف نگار و صفحه آرا: زینب فرحنده زاده

طراح جلد: مجید اکبر کلی

اجرای جلد: عطاله کاویانی

چاپ اول: ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: اتحاد

ردیف انتشار: ۵-۹۱

بها: ۲۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-576-1

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۶-۵۷۶-۱

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۲، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

اصل متن روسی این دستور زبان، با همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در روسیه فدراتیو و فرهنگستان علوم انستیتوی خاورشناسی روسیه، انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا، وابسته به دانشگاه دولتی مسکو به نام لامانوسوف به چاپ رسیده است.

پافهاندت نویسنده

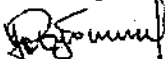
با کمال غرضی مطلع شدم که کتاب من "دستور زبان ادبی فارسی" توسط خاتم مریم شتی استاد زبان روسی دانشگاه علامه طباطبایی در تهران به زبان فارسی ترجمه شده است. این کتاب نهمه رسالت چندین ساله من در خصوص آشناسی، ساخت وازی و نمو زبان فارسی است. این اثر در روسیه و با کمک و همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۱ منتشر گردید.

میدوادم که ترجمه این کتاب به زبان فارسی به آشنایی دانشندان، مدرسین و دانشجویان ایرانی با دست آوردهای زبانشناسی در حوزه مطالعه زبان فارسی کمک بشاید. از آقای دکتر سعید واعظ رئیس دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی که به ابتکار ایشان این ترجمه ضرورت گرفته است، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از مترجم نیز برای زحمات فراوانی که در آماده کردن این کتاب برای نشر به زبان فارسی متحمل شده است، تشکر می‌کنم.

دکتری علوم فیلولوژی، پروفیسور،

عضو ارشد هیات علمی انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم روسیه

بروی آرونویچ رویسچیک


23.01.08

От автора

Я с большим удовлетворением узнал, что моя книга «Грамматика современного персидского литературного языка» была переведена Марьям Шафаги, преподавателем русского языка университета им. Алламе Табатабаи в Тегеране на персидский язык.

Эта книга является плодом моего многолетнего труда по фонетике, морфологии и синтаксису персидского языка и издана в России в 2001 г. благодаря помощи и содействию Посольства ИРИ в РФ.

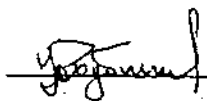
Я надеюсь, что перевод книги на персидский язык будет способствовать ознакомлению иранских ученых, педагогов и студентов с последними достижениями русского языкознания в области изучения персидского языка.

Выражаю искреннюю благодарность декану факультета персидской литературы и иностранных языков университета им. Алламе Табатабаи доктору Саиду Ваззу, по инициативе которого был осуществлен этот перевод.

Я признателен переводчику за огромный труд по подготовке моей книги к изданию на персидском языке.

Доктор филологических наук,
профессор, главный научный сотрудник
Института востоковедения
РАН

Ю. А. Рубничик



23 января 2008 г.

فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم
۱۰	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۲۵	فصل اول: ساختار آوایی و ساختار واژگی زبان فارسی
۲۵	بخش اول: آواشناسی و واج‌شناسی
۲۵	۱. وضعیت مطالعه آواشناسی در زبان فارسی
۲۸	۲. نظام واژه‌ها و ترکیب آنها
۳۲	۳. ترکیب و مشخصات همخوان‌ها
۴۴	۴. فرایندها و پدیده‌های آوایی در جریان کلام
۴۷	۵. شیوه آواشناختی در توصیف صداها و زبان فارسی
۵۱	۶. هجا و هجاشناسی
۵۸	۷. تکیه کلمه
۶۵	۸. تناسب تکیه کلمه و تکواژ
۶۹	۹. تکیه منطقی، جمله، هم‌نشینی
۷۳	بخش دوم: آهنگ برخی از انواع جمله ساده
۷۴	۱. آهنگ جمله ساده خبری
۷۵	۲. آهنگ جمله ساده پرسشی
۷۶	۱-۲. آهنگ جمله‌های پرسشی بدون ابزار واژگانی
۷۶	۲-۲. آهنگ جمله پرسشی همراه کلمه پرسشی
۷۷	۲-۳. آهنگ جمله پرسشی همراه ادات پرسشی

۷۸.....	۲-۴. آهنگ جملهٔ پرسشی جایگزین.....
۷۸.....	۳. آهنگ جملهٔ امری.....
۸۳.....	۴. آهنگ جملهٔ عاطفی.....
۸۵.....	بخش سوم: برخی پرسش‌ها در حوزهٔ نوشتار و املاء.....
۸۷.....	۱. الفبای عربی و فارسی و املاء.....
۹۳.....	۲. پیوندهٔ ناهنجاری نوشتار فارسی.....
۹۷.....	۳. ویژگی‌های تلفظ حرف «ع» و نشانهٔ املائی «ء» در زبان فارسی.....
۱۰۲.....	بخش چهارم: ساختار ساخت‌وازی کلمه در زبان فارسی.....
۱۱۴.....	بخش پنجم: مشکلات واژه‌وازی در زبان فارسی.....
۱۱۶.....	۱. میان‌رست در نقش ابزار تغییر ساختار ساخت‌وازی کلمه.....
۱۲۸.....	۲. نقش تکیهٔ کلمه در تغییر ساختار ساخت‌وازی کلمه.....
۱۳۱.....	پی‌نوشت‌های مؤلف.....
۱۳۷.....	فصل دوم: ساخت‌وازی.....
۱۳۹.....	بخش اول: دشواری‌های موجود در تشخیص اقسام کلمه در زبان فارسی.....
۱۴۵.....	بخش دوم: اسم.....
۱۴۵.....	الف. مشخصات عمومی معنای اسامی.....
۱۴۶.....	ب. گروه‌های واژگانی - دستوری اسامی.....
۱۴۸.....	پ. مقوله‌های دستوری اسامی.....
۱۵۰.....	۱. مقولهٔ شمار.....
۱۵۲.....	۱-۱. پسوندهای جمع‌ساز فارسی.....
۱۵۵.....	۱-۲. شکل جمع با منشاء عربی.....
۱۵۹.....	۱-۳. شکل جمع مکسر عربی.....
۱۶۴.....	۲. حرف تعریف تخصیصی.....
۱۷۱.....	۳- مقولهٔ جان‌دار و بی‌جان بودن.....
۱۷۴.....	۴- نقش کمکی اسامی.....
۱۷۶.....	بخش سوم: صفت.....
۱۷۷.....	۱- صفات کیفی.....
۱۷۸.....	۱-۱- درجهٔ مقایسه صفت کیفی.....

۱۷۸	۱-۱-۱. شکل تفضیلی صفات
۱۸۰	۲-۱-۱. صورت عالی صفات
۱۸۲	۲- صفات نسبی
۱۸۴	۳- صفات فعلی زمان گذشته در نقش صفت
۱۸۶	بخش چهارم: روش‌های ساخت اسامی و صفات
۱۸۷	۱- انواع ساختار اسامی و صفات
۱۸۸	۲- واژه‌سازی به کمکوندها
۱۹۱	۲-۱- پسوندهای اسامی و صفات
۱۹۴	۲-۲- پیشوندها
۱۹۶	۳- ساخت کلمات نیمه‌مشتق
۱۹۸	۳-۱- وندواره‌های فعلی
۲۰۱	۳-۲- وندواره‌های نامی
۲۰۲	۳-۲-۱- تکواژ واژه‌های اسمی نوع پسوندی
۲۰۶	۳-۲-۲- تکواژ واژه‌های نامی از نوع پیشوندی
۲۰۸	۴- ساخت کلمات مرکب (ریشه‌های مرکب)
۲۱۰	۴-۱- نام‌های مرکب نوع همپایه (عبارات پیوندی)
۲۱۱	۴-۲- نام‌های مرکب نوع وابسته
۲۱۲	۵- واژه‌شدگی گروه‌ها
۲۱۵	۶- واژه‌سازی بدون وند (واژه‌گشت)
۲۱۸	بخش پنجم: ضمیر
۲۲۰	۱. ضمایر شخصی
۲۲۴	۲. ضمایر متصل
۲۳۰	۳. ضمایر اشاره
۲۳۱	۴. ضمایر پرسشی
۲۳۴	۵. ضمایر مشخص
۲۳۵	۶. ضمایر انعکاسی
۲۳۶	۷. ضمایر نامشخص
۲۳۷	۸. ضمایر نفی
۲۳۸	۹. ضمایر دوجانبه

۲۳۸	۱۰. کاربرد سایر اقسام کلام در نقش ضمیر
۲۴۰	بخش ششم: عدد
۲۴۰	۱. مشخصات عمومی عدد
۲۴۲	۲. اعداد مشخص شمارشی
۲۴۳	۱-۲. طبقه‌نماها
۲۴۵	۳. اعداد نامشخص شمارشی
۲۴۶	۴. اعداد دوگان‌سازی
۲۴۶	۵. اعداد ترتیبی
۲۴۸	۶. اعداد کسری
۲۴۹	۷. درصد
۲۵۰	بخش هفتم: فعل
۲۵۰	۱. مشخصات کلی
۲۵۲	۲. عناصر ترکیبی افعال و صورت‌های فعلی
۲۵۲	۱-۲. بن فعل
۲۵۳	۲-۲. پایانه‌های شخصی
۲۵۴	۳-۲. پیشوندهای صورت‌ساز
۲۵۵	۴-۲. افعال غیر اصلی
۲۵۵	۱-۴-۲. افعال ربطی
۲۵۸	۲-۴-۲. افعال کمکی
۲۵۸	۳-۴-۲. همکردهای فعلی
۲۵۹	۳. طبقه‌بندی ساختاری و واژه‌سازی افعال
۲۶۰	۱-۳. افعال ساده
۲۶۱	۱-۱-۳. افعال باقاعده، شبه‌باقاعده و بی‌قاعده
۲۶۱	۱- افعال باقاعده
۲۶۱	۲- افعال شبه‌باقاعده
۲۶۲	۳- افعال بی‌قاعده
۲۶۵	۲-۱-۳. افعال مشتق و غیر مشتق
۲۶۵	۱. افعال مشتق
۲۶۵	۱. افعال نام‌بنیاد

۲۶۹.....	۲. افعال ثانوی.....
۲۷۰.....	۳. افعال سببی.....
۲۷۱.....	II. افعال غیر مشتق.....
۲۷۳.....	۲-۳. افعال پیشوندی.....
۲۷۶.....	۳-۳. افعال مرکب.....
۲۷۹.....	۳-۳-۱. افعال مرکبی که جزء اسم بنیاد آنها دارای حرف اضافه نیست.....
۲۸۴.....	۳-۳-۲. سنخ‌شناسی ساختاری و معنایی افعال مرکب.....
۲۸۷.....	۳-۳-۳. افعال مرکبی که جزء نام بنیاد آنها دارای حرف اضافه است.....
۲۹۱.....	۳-۳-۴. رابطه مقابل افعال مرکب همراه حرف اضافه و بدون حرف اضافه.....
۲۹۳.....	۳-۳-۵. افعال مرکب و ساخت افعال مرکب ترکیبی.....
۲۹۶.....	۴. طبقه‌های واژگانی و دستوری افعال.....
۲۹۷.....	۴-۱. افعال متعدی و لازم.....
۲۹۷.....	۴-۱-۱. افعال متعدی.....
۲۹۸.....	۴-۱-۲. افعال لازم.....
۲۹۹.....	۴-۲. افعال سببی.....
۳۰۱.....	۴-۳. افعال دارای دو نظام گذرایی (دوجهی).....
۳۰۱.....	۴-۴. افعال وجهی.....
۳۰۳.....	بخش هشتم: مقوله‌های دستوری فعل.....
۳۰۴.....	۱. مقوله زمان.....
۳۰۴.....	۱-۱. ماهیت مقوله دستوری زمان.....
۳۰۶.....	۱-۲. صورت‌های زمانی وجه خبری و روش‌های ساخت آن.....
۳۰۶.....	۱-۲-۱. مضارع مطلق.....
۳۰۸.....	۱-۲-۲. مضارع ناتمام.....
۳۰۹.....	۱-۲-۳. آینده مطلق.....
۳۱۰.....	۱-۲-۴. ماضی مطلق.....
۳۱۱.....	۱-۲-۵. ماضی استمراری.....
۳۱۳.....	۱-۲-۶. ماضی ناتمام.....
۳۱۳.....	۱-۲-۷. ماضی نقلی.....
۳۱۵.....	۱-۲-۸. ماضی نقلی استمراری.....

۳۱۵	 ماضی بعید..... ۱-۲-۹
۳۱۷	 شکل‌های زمانی وجه التزامی و روش‌های ساخت آن..... ۱-۳-۳
۳۱۷	 مضارع التزامی (مضارع نامعین)..... ۱-۳-۱
۳۲۱	 ماضی التزامی..... ۱-۳-۲
۳۲۳	 مقوله وجه..... ۲
۳۲۴	 وجه اخباری..... ۱-۲
۳۲۴	 وجه التزامی..... ۲-۲
۳۲۶	 وجه امری..... ۲-۲
۳۲۷	 وجه تمنائی یا آرزویی..... ۴-۲
۳۲۷	 نظام گذرایی..... ۳
۳۲۸	 لازم و متعدی بودن افعال و مفهوم نظام گذرایی..... ۱-۳
۳۲۹	 نظام گذرایی مجهول و طریقه ساخت آن از انواع مختلف ساختاری فعل..... ۲-۳
۳۳۰	 ساختار مجهول (غیر فاعلی)..... ۳-۳
۳۳۱	 مقوله شخص / شمار..... ۴
۳۳۴	 بخش نهم: صورتهای غیر شخصی فعل.....
۳۳۴	 ۱. مصدر.....
۳۴۰	 شکل مخفف مصدر.....
۳۴۰	 ۲. صفات فعلی.....
۳۴۱	 ۱-۲. انواع صفات فعلی و رابطه دستوری، واژگانی و معنایی آن با فعل.....
۳۴۳	 ۲-۲. صفت فعلی زمان گذشته.....
۳۵۰	 ۳-۲. صفت فعلی زمان حال.....
۳۵۱	 ۱-۳-۲. صفت فعلی مختوم به پسوند «-نده».....
۳۵۴	 ۲-۳-۲. صفت فعلی مختوم به پسوند «-ان».....
۳۶۰	 ۳-۳-۲. صفت فعلی مختوم به پسوند «-ا».....
۳۶۲	 ۴-۲. صفت فعلی الزامی.....
۳۶۸	 بخش دهم: قید.....
۳۶۸	 ۱. معنا و نقش قیدها.....
۳۷۱	 ۲. انواع ساختاری قید و روش ساخت آن.....
۳۷۸	 ۳. قیدها - گروه‌های متشکل از عبارات ثابت.....

۳۷۸	۱-۳. ساختارهای قاعده‌مند قیدی
۳۸۰	۲-۳. ساختارهای بی‌قاعده قیدی
۳۸۱	۴. طبقه‌بندی معنایی قید
۳۸۱	۱-۴. قیدهای متمم اسمی
۳۸۱	۱-۱-۴. قید صورت عمل
۳۸۲	۲-۱-۴. قید مقدار
۳۸۲	۲-۴. قیدهای متمم قیدی
۳۸۲	۱-۲-۴. قید مکان
۳۸۳	۲-۲-۴. قید زمان
۳۸۳	۳-۲-۴. قید علت
۳۸۳	۵. قیدهای ضمیری
۳۸۵	بخش یازدهم: کلمات وجهی
۳۸۵	۱- کلمات وجهی، معنا و نقش آنها
۳۸۶	۲- منابع تکمیل کلمات وجهی
۳۸۸	۳- تقسیم‌بندی‌های معنایی کلمات وجهی
۳۹۰	بخش دوازدهم: حروف اضافه، پس‌اضافه «را»
۳۹۰	۱. حروف اضافه
۳۹۰	۱-۱. مشخصات کلی حروف اضافه
۳۹۲	۲-۱. حروف اضافه اولیه
۳۹۳	۱-۲-۱. حرف اضافه «از» (که در شعر اغلب به شکل «ز» می‌آید)
۳۹۴	۲-۲-۱. حرف اضافه «به»
۳۹۶	۳-۲-۱. حرف اضافه «در»
۳۹۶	۴-۲-۱. حرف اضافه «بر»
۳۹۷	۵-۲-۱. حرف اضافه «تا»
۳۹۸	۶-۲-۱. حرف اضافه «با»
۳۹۹	۷-۲-۱. حرف اضافه «برای»
۳۹۹	۸-۲-۱. حرف اضافه «بی»
۴۰۰	۹-۲-۱. حرف اضافه «جز»
۴۰۰	۳-۱. حروف اضافه ثانوی یا مشتق

۴۰۴	۲. پس اضافه «را».....
۴۱۱	بخش سیزدهم: حروف ربط.....
۴۱۱	۱. ساختار ساخت‌وازی و انواع نقش حروف ربط.....
۴۱۳	۲. حروف ربط همپایگی.....
۴۱۵	۳. حروف ربط وابستگی.....
۴۲۱	بخش چهاردهم: ادات.....
۴۲۱	۱. مشخصه کلی ادات و منشاء آنها.....
۴۲۲	۲. طبقه‌بندی ادات از نظر معنا.....
۴۲۵	بخش پانزدهم: حرف ندا و اصوات.....
۴۲۵	۱. مشخصه کلی حروف ندا.....
۴۲۶	۲. طبقه‌بندی حروف ندا با توجه به روش ساخت و ساختار آنها.....
۴۲۷	۳. طبقه‌بندی حروف ندا از نظر معنا.....
۴۲۷	۱-۳. حروف ندای بیان‌دارنده احساسات.....
۴۲۸	۲-۳. حروف ندای بیان‌دارنده امر.....
۴۲۹	۴. اصوات.....
۴۳۰	بی‌نوشت‌های مؤلف.....

۴۳۹	فصل سوم: نحو.....
۴۳۹	۱. موضوع نحو.....
۴۴۳	۲. برخی ویژگی‌های نحو در زبان فارسی.....
۴۴۶	قسمت اول: ساختمان گروه و جمله.....
۴۴۶	بخش اول: روش‌های رابطه نحوی کلمات در گروه و جمله.....
۴۵۹	بخش دوم: گروه.....
۴۶۲	۱. آیا گروه همپایگی ممکن است؟.....
۴۶۴	۲. گروه‌های اضافی.....
۴۶۶	۱-۲. ویژگی ساختار گروه اضافی.....
۴۶۷	۱-۲-۱. عنصر اصلی گروه اضافی.....
۴۶۸	۱-۲-۲. سازه وابسته گروه اضافی.....
۴۷۰	۳. گروه‌های دارای رابطه هم‌پایه.....

۴۷۲	۴. گروه‌های حرف اضافه‌ای
۴۷۷	۵. ساختار گروه‌های مرکب (سه جزئی)
۴۷۹	بخش سوم: جمله ساده
۴۷۹	۱. گروه و جمله
	۲. ارتباط متقابل (تناسب) اصطلاحات «گروه»، «جزء جمله» و «گروه نحوی»
۴۸۱	۳. شکل‌گیری ظاهری و معنایی جمله ساده
۴۸۳	۳-۱. طبقه‌بندی جمله‌ها با توجه به ترکیب عناصر
۴۸۴	۳-۱-۱. جمله‌های گسترده و غیر گسترده
۴۸۴	۳-۱-۲. جمله‌های کامل و ناقص
۴۸۵	۳-۱-۳. تمیز جمله‌های دوجزئی و یک‌جزئی
۴۸۷	۳-۲. انواع جمله‌های یک‌جزئی و مشخصات آن
۴۸۹	۳-۲-۱. جمله‌های شخصی معین
۴۸۹	۳-۲-۲. جمله‌های شخصی نامعین
۴۹۱	۳-۲-۳. جمله‌های شخصی تعمیمی
۴۹۱	۳-۲-۴. جمله‌های بدون شخص
۴۹۲	۱. جمله‌های بدون شخص اراد
۴۹۴	۲. جمله‌های بدون شخص پیوستاری (اصطلاحی)
۴۹۷	۳-۲-۵. جمله اسمیه
۵۰۳	۳-۲-۶. جمله - کلمه
۵۰۳	۴. ساختار ارتباطی و معنایی جمله‌ها
۵۰۴	۴-۱. جمله‌های خبری
۵۰۵	۴-۲. جمله‌های پرسشی
۵۰۵	۴-۲-۱. جمله‌های پرسشی بدون ابزار واژگانی
۵۰۶	۴-۲-۲. جمله‌های پرسشی با کلمه پرسشی
۵۰۷	۴-۲-۳. جمله‌های پرسشی با ادات پرسشی
۵۰۷	۴-۲-۴. جمله‌های پرسشی جایگزین
۵۰۸	۴-۳. جمله‌های امری
۵۰۹	۴-۴. جمله‌های عاطفی

۵۱۰	۵. تقسیم زبان شناختی جمله
۵۱۲	۶ ساختارهای نحوی پیوستاری (اصطلاحی)
۵۱۷	قسمت دوم: جمله ساده و عناصر آن
۵۲۱	بخش اول: عناصر اصلی جمله
۵۲۱	۱. نهاد
۵۲۳	۲. روش‌های بیان نهاد
۵۲۹	۳. گزاره
۵۳۱	۴. انواع گزاره و روش‌های بیان آن
۵۳۱	۴-۱. گزاره فعلی
۵۳۱	۴-۱-۱. گزاره فعلی ساده
۵۳۹	۴-۱-۲. گزاره فعلی مرکب
۵۴۵	۴-۲. گزاره اسمی
۵۵۶	۴-۳. گزاره اسم‌پیاد فعلی
۵۵۸	۴-۴. گزاره ساده غیر فعلی (ضمیر یا قید)
۵۵۹	۴-۵. گزاره‌ای که شامل گروه نحوی گزاره اسمی (مسند) باشد
۵۶۱	۴-۶. صورت‌های ساختار قالبی گزاره
۵۶۹	بخش دوم: عناصر فرعی جمله
۵۷۰	۱. مفعول و انواع آن
۵۷۱	۱-۱. روش‌های مشخص ساختن مفعول
۵۷۲	۱-۲. مفعول همراه فعل
۵۷۳	۱-۲-۱. مفعول مستقیم
۵۷۴	۱-۲-۲. مفعول غیر مستقیم
۵۷۷	۱-۳. مفعول همراه اسم
۵۷۷	۱-۳-۱. مفعول اضافی
۵۷۸	۱-۳-۲. مفعول حرف اضافه‌ای
۵۷۹	۲. متمم اسمی
۵۷۹	۲-۱. متمم اسمی پس‌آیندی
۵۸۰	۲-۱-۱. متمم‌های اسمی اضافی
۵۸۳	۲-۱-۲. متمم‌های اسمی حرف اضافه‌ای

.....	۵۸۴	۲-۱-۳. عبارات ساخته شده از صفات فعلی
.....	۵۸۵	۲-۲. متمم قیدی پیش آیندی
.....	۵۸۵	۲-۲-۱. متمم اسمی هم پایه
.....	۵۸۶	۲-۲-۲. متمم اسمی اضافی
.....	۵۸۸	۲-۳. بدل
.....	۵۹۰	۳. متمم قیدی
.....	۵۹۱	۱-۱. متمم قیدی کیفیت
.....	۵۹۲	۲-۱. متمم قیدی زمان
.....	۵۹۳	۳-۱. متمم قیدی مکان
.....	۵۹۴	۴-۱. متمم قیدی مقدار
.....	۵۹۴	۵-۱. متمم قیدی علت
.....	۵۹۴	۶-۱. متمم قیدی هدف
.....	۵۹۵	۷-۱. متمم قیدی شرط
.....	۵۹۵	۸-۱. متمم قیدی استثناء
.....	۵۹۵	۴. روش های تشخیص نحوی عناصر فرعی جمله
.....	۵۹۶	۱-۴. تغییر مکان اجزای جمله
.....	۵۹۷	۲-۴. جدا کردن
.....	۶۰۱	بخش سوم: اجزاء هم نقش جمله
.....	۶۰۶	قسمت سوم: جمله مرکب
.....	۶۰۶	۱. جمله مرکب در نقش واحد نحوی
.....	۶۰۹	۲. درباره همپایگی و وابستگی جمله ها
.....	۶۱۳	بخش اول: جمله مرکب همپایه
.....	۶۱۶	۱. جمله های مرکب همپایه با مفهوم افزودگی
.....	۶۱۷	۱-۱. جمله های مرکب همپایه با حرف ربط «و» (va/o)
.....	۶۲۰	۱-۱-۱. جمله های مرکب همپایه با روابط زمانی
.....	۶۲۲	۲-۱-۱. جمله های مرکب همپایه با روابط علت و معلول
.....	۶۲۴	۳-۱-۱. جمله های مرکب همپایه با روابط الحاقی
.....	۶۲۵	۲-۱. جمله های مرکب همپایه با سایر حروف ربط اتصالی
.....	۶۲۶	۲. جمله های مرکب همپایه با مفهوم مقابله و تضاد

- ۱-۲. جمله‌های مرکب همپایه با حرف «و» ۶۲۸
- ۲-۲. جمله‌های مرکب همپایه با حروف «اما»، «ولی»، «لیکن»، «لکن» ۶۲۹
- ۳-۲. جمله‌های مرکب همپایه با حرف «بلکه» ۶۳۱
- ۴-۲. جمله‌های مرکب همپایه با حروف «والا» و «گر نه» ۶۳۳
۳. جمله‌های مرکب همپایه با مفهوم انتخاب و اختیار ۶۳۴
- بخش دوم: جمله مرکب وابسته ۶۳۷
۲. جمله‌های مرکب با پیرو نهادهی ۶۴۵
۳. جمله‌های مرکب با پیرو گزاره‌ای ۶۴۹
۴. جمله‌های مرکب با پیرو مفعولی ۶۵۰
۵. جمله‌های مرکب با پیرو متمم اسمی ۶۵۵
- ۱-۵. جمله‌های پیرو با متمم اسمی اصلی ۶۵۵
- ۲-۵. جمله‌های پیرو متمم اسمی توضیحی ۶۵۷
۶. جمله‌های مرکب با جمله پیرو متمم قیدی ۶۵۸
- ۱-۶. جمله‌های مرکب با پیرو زمان ۶۵۹
- ۲-۶. جمله‌های مرکب با پیرو شرط ۶۶۴
- ۳-۶. جمله‌های مرکب با پیرو متمم قیدی نقابلی ۶۶۷
- ۴-۶. جمله‌های مرکب با پیرو متمم قید کیفیت ۶۷۱
- ۵-۶. جمله‌های مرکب با پیرو استثناء ۶۷۵
- ۶-۶. جمله‌های مرکب با پیرو قیاسی ۶۷۷
- ۷-۶. جمله‌های مرکب با پیرو مقایسه ۶۷۸
- ۸-۶. جمله‌های مرکب با پیرو علت ۶۸۴
- ۹-۶. جمله‌های مرکب با پیرو هدف ۶۸۹
- ۱۰-۶. جمله‌های مرکب با پیرو نتیجه ۶۹۱
- ۱۱-۶. جمله‌های مرکب با پیرو مکان ۶۹۲
- بخش سوم: جمله مرکب بدون حرف ربط ۶۹۵
۱. جمله‌های مرکب همپایه بدون حرف ربط ۶۹۷
۲. جمله‌های مرکب وابسته بدون حرف ربط ۷۰۰
۳. جمله‌های مرکب بدون حرف ربط که با جمله‌های مرکب همپایه و وابسته با رابطه حرفی تناسب دارند ۷۰۶

۷۰۸.....پی‌نوشت‌های مؤلف

۷۱۴.....کتاب‌نامه به زبان فارسی

۷۱۷.....کتاب‌نامه به زبان روسی

۷۳۲.....منابع به زبان اروپای غربی

۷۳۴.....عناوین منابع مطالب تشریحی

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

یوری آرنویچ روبینچیک در سال ۱۹۲۳ در مسکو متولد شد. ژوئن ۱۹۴۱ مدرسه را به اتمام رساند و در ماه اوت همان سال به ارتش پیوست و در نبرد مسکو شرکت کرد. پس از آن، در سال مذکور وارد انستیتوی خاورشناسی و در پی آن، دانشکده زبان‌های خارجی شد. از اکتبر ۱۹۴۵ پس از اتمام دانشکده، روبینچیک به عنوان استاد مشغول به کار شد و از آن تاریخ، فعالیت علمی و آموزشی او آغاز گردید. روبینچیک نخستین اثر خود را به اتفاق ایران‌شناس مشهور دیگری که در آن زمان استاد جوانی بود، یعنی گ. آ. واسکانیان نوشت. نام این اثر، «دوره مقدماتی زبان فارسی معاصر» (۱۹۵۱) است. یوری روبینچیک اولین کار مستقل خود را براساس پایان‌نامه دکتری‌اش - که در سال ۱۹۵۳ از آن دفاع کرده بود - با عنوان «جملات مرکب با جمله پیر و متمم اسمی در زبان فارسی معاصر» (۱۹۵۹) نگاشت. در این اثر، نویسنده تیزبینی خود را به نمایش گذاشت و به دستاوردهای مهمی دست یافت. در سال ۱۹۵۶ به علت انتقال یافتن به آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، خود را کاملاً وقف کارهای علمی و تحقیقاتی کرد و همواره نقش فعالانه‌ای داشت. دومین کار مستقل یوری روبینچیک، کتاب «زبان فارسی معاصر» (۱۹۶۰) است که در مجموعه «زبان‌های خاور دور و آفریقا» منتشر شد. در سال ۱۹۷۱، این کتاب با پاره‌ای اصلاحات و تغییرات به زبان انگلیسی ترجمه شد. سال‌های بعد، دوره جدیدی در کار علمی روبینچیک آغاز گردید و او در رأس گروهی برای تدوین

فرهنگ فارسی به روسی قرار گرفت. دقیقاً به علت سرسختی و پشتکار او بود که این گروه توانست فرهنگ لغت مناسبی را که انتظار آن می‌رفت و ایران‌شناسان به آن نیازمند بودند، فراهم آورد. این فرهنگ با نام «فرهنگ روبینچیک» در بین کارشناسان مشهور است و تا کنون بارها تجدید چاپ شده است. ویژگی متفاوت این فرهنگ لغت، سیستم مناسبی است که برای تدوین آن به کار گرفته شده است. همچنین، فراوانی مثال‌ها و اصطلاحات و عبارت و نیز پیوست‌های آن (نام‌های جغرافیایی، اسامی خاص، تقویم خورشیدی و قمری، واحدهای اندازه‌گیری در ایران و ...) حائز اهمیت است. مهم‌ترین پیوست این فرهنگ لغت را می‌توان دستور زبان کوتاهی شمرد که در مورد زبان فارسی نگاشته شده است و به قلم خود روبینچیک می‌باشد. این اثر، کار بزرگی در میان آثار روبینچیک به حساب می‌آید. تجربه کار بر روی فرهنگ لغت و تحلیل دقیق واژگان زبان فارسی در نگارش اصطلاحات زبان فارسی کمک به‌سزایی به روبینچیک نمود و حاصل آن، کتاب «مبانی اصطلاحات زبان فارسی» (روبینچیک، ۱۹۸۱) گردید. دیگر دستاورد تدوین این فرهنگ لغت بعدها در کتاب دیگر روبینچیک با عنوان «واژه‌شناسی زبان فارسی» (۱۹۹۱) منعکس شد. این اثر اولین کار در حوزه زبان‌های ایرانی و در مشکلات و مسائل تئوری تدوین فرهنگ لغت محسوب می‌شود. روبینچیک همچنین در فاصله زمانی انتشار آثار خود تعداد کثیری مقاله به چاپ رسانیده و در مسائل گوناگون در حوزه زبان فارسی سخنرانی داشته و تمام اینها در نهایت در آثار بزرگ او منعکس گردیده است. از جمله این آثار می‌توان «دستور زبان فارسی معاصر ادبی» (۲۰۰۱) (دستور پیش رو) را نام برد. در این کتاب، ساختار ساخت‌وازی و نحو زبان فارسی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، به مسائل آواشناسی، واژگان و ساختار دستوری کلمه نیز پرداخته می‌شود.

یوری آرئوچ روبینچیک همواره همپا با کارهای علمی، فعالیت آموزشی خود را نیز دنبال کرده است. او در انستیتو کشورهای آسیا و آفریقا وابسته به دانشگاه دولتی مسکو و دانشگاه زبان‌شناسی دولتی مسکو تدریس داشته است. در طی سال‌های

۲۰۰۰-۱۹۹۵ او ریاست کمیسیون امتحانات انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا را نیز عهده‌دار بوده است.

روبینچیک همواره ارتباط خود را با زبان‌شناسان ایرانی حفظ کرده است. او در زمان کار بر روی فرهنگ دوجلدی روسی به فارسی با خانلری، کیا، شهیدی، ابوالقاسمی، تفضلی، باطنی و دیگران در ارتباط بوده است. او همچنین، تعدادی مقاله به زبان فارسی در مجلات ایران دارد و بارها در کنفرانس‌های علمی‌ای که در ایران در مورد مشکلات زبان فارسی برگزار گردیده شرکت داشته است.

اثر حاضر که دربردارنده آخرین و کامل‌ترین نظریه‌های مؤلف دربارهٔ دستور زبان فارسی است، در حدود یک دههٔ بیش (۲۰۰۱ میلادی) منتشر شده است. این اثر زبان فارسی را از سطح آواها تا جملات تحلیل و بررسی می‌نماید. آنچه به‌راستی پیوسته مایهٔ شگفتی مترجم بود، دقت بی‌ظیر و سبقت‌انگیز مؤلف در بررسی همه‌جانبهٔ ویژگی‌های زبان فارسی و در بسیاری موارد تحلیل‌های تاریخی و گاه جامعه‌شناختی مسائل زبانی است. هرچند مترجم در حوزهٔ دستور زبان فارسی چندان که باید به تحقیق و مقایسهٔ آثار استادان این حوزه نپرداخته، گمانی ندارد که این اثر در زمرهٔ مهم‌ترین این آثار است.

دستورهای زبان فارسی را براساس محل تألیف و زبان اثر می‌توان به چند گروه تقسیم کرد؛ دستورهایی که در دورهٔ حکومت عثمانیان در آسیای صغیر نوشته شده است. نویسندگان این دستورها اغلب عرب بوده‌اند و دستورهای زبان فارسی را به زبان عربی یا ترکی عثمانی نوشته‌اند. دستور زبان‌هایی که در شبه‌قارهٔ هند تألیف شده است و مؤلفان این دسته از آثار، بیشتر ایرانیانی بوده‌اند که در دورهٔ مهاجرت عظیم ایرانیان به سرزمین هند، به آن دیار رفته‌اند. زبان این دسته از دستورها بیشتر فارسی است و شمار اندکی هم به زبان اردو و انگلیسی. دستورهایی که در اروپا تألیف شده است. نویسندگان این آثار، خاورشناسان اروپایی بوده‌اند و هدف بیشتر آنان آشنایی با زبان و فرهنگ ایرانی بوده است. این دسته از آثار به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی، آلمانی و ایتالیایی است و

بالاخره دستورهایی که در ایران و کشورهای همجوار فارسی زبان به وسیله فارسی‌زبانان و به زبان فارسی تألیف شده است.

دستور زبان حاضر در شمار مهم‌ترین کارهایی است که توسط خاورشناسان انجام گرفته، با این حال متأسفانه کمتر شناخته شده است. از جمله دلایل این مسأله زبان‌اثر (روسی) است که به اندازه زبان‌هایی چون فرانسه و انگلیسی در ایران مورد توجه نیست و مترجمانی که به ترجمه آثار نویسندگان روس پرداخته‌اند، اغلب از ترجمه فرانسه یا انگلیسی آن بهره گرفته‌اند. یکی از دلایل اهمیت این اثر علاوه بر قدرت و قوت نویسنده آن، که دست‌پرورده یکی از قوی‌ترین قطب‌های زبان‌شناسی جهان به‌شمار می‌رود - وجود زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های رایج در بخشی از «اتحاد جماهیر شوروی» است. نویسنده این کتاب پیوسته به آثار استادان فارسی‌زبانی که به روسی نوشته‌اند، ارجاع داده است. بخش قابل توجهی از تحقیقاتی که به زبان روسی درباره ساختمان زبان فارسی منتشر شده است، توسط استادان فارسی‌زبانی انجام شده که در دوره «اتحاد جماهیر شوروی» در دانشگاه‌های این کشور مشغول فعالیت بوده‌اند. دستور زبان روبینچیک در سه بخش اصلی تألیف شده است: آواشناسی، مورفولوژی و نحو. در آغاز بخش آواشناسی، نویسنده به یادکرد آثار روسی‌ای می‌پردازد که درباره آواشناسی زبان فارسی نگاشته شده‌اند. این قسمت و دیگر بخش‌های حاوی این‌گونه اطلاعات، از منابع مورد نیاز جهت تألیف کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی در قلمرو زبان روسی به‌شمار می‌آید؛ از جمله آثار مهمی که نویسنده در این بخش به آن اشاره می‌نماید، کتابی است از ک. ای. پالیاکوف به نام «آواشناسی زبان فارسی؛ تجربه، تحقیق، نظام» که در سال ۱۹۸۸ نوشته شده و موضوع آن واج‌شناسی زبان ادبی معاصر فارسی است. در میان منابعی که درباره آواشناسی زبان فارسی به زبان روسی نگاشته شده، اثر مشترک روبینچیک و گ. آ. واسکانیان نیز دیده می‌شود؛ این اثر «دوره مقدماتی زبان معاصر فارسی» نام دارد و در سال ۱۹۵۱ به چاپ رسیده است. اثر مذکور بنا بر ادعای روبینچیک، نخستین کتاب آموزشی در آواشناسی زبان فارسی است که در آن برای نخستین‌بار به‌شکل نظام‌مند، داده‌های اصلی درباره آواهای زبان فارسی و

آهنگ جمله، جایگاه تکیه، هجا و تقسیم هجا آمده است. از جمله منابع قابل توجهی که در این بخش و نیز دیگر قسمت‌های اثر، معرفی شده، مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که دربارهٔ موضوع مورد بحث به زبان روسی تألیف شده‌اند. نکتهٔ دیگری که در این بخش، جلب نظر می‌کند، آن است که روبینچیک برخی از اطلاعات آواشناختی خود را از مطالعات میدانی‌ای که توسط زبان‌شناسان روس انجام شده، گرفته است. از جمله، روبینچیک تصریح می‌کند که توصیف کیفی واژه‌ها در زبان فارسی، برپایهٔ آخرین مشاهدات تجربی ک. ای. بالیاکوف انجام شده است. در برخی موارد، نگارندهٔ اثر بر آن است که مبحث طرح‌شده برای نخستین بار در این کتاب عنوان گردیده است. برای نمونه، آنگاه که دربارهٔ ویژگی‌های واژه مرکب ow بحث می‌کند، می‌گوید: «در آثار نوشته‌شده در آواشناسی زبان فارسی معمولاً از تجزیهٔ واژه مرکب ow و تبدیل عنصر دوم به همخوان v سخن گفته شده، ولی اشاره‌ای به تبدیل آن به همخوان y نشده است». در بخش دوم دستور زبان روبینچیک به ساخت‌وازی زبان فارسی پرداخته شده است. در این قسمت، نخست به ویژگی‌های تاریخی‌ای اشاره شده که تشخیص «توع» کلمه را در زبان فارسی دری، دشوار کرده است. مؤلف از جمله در این باره بر آن است که بیشترین دشواری در تعیین مرز بین اقسام کلمات از جمله اسم و صفت وجود دارد و نبود نشانه‌های ساخت‌وازی در شکل مبنای کلمه اسم یا صفت منجر به ضعیف شدن تفاوت میان این دو مقوله در زبان فارسی شده است. در زبان فارسی نمی‌توان تعلق دقیق اسم (غالباً جامد) در خارج از جمله به این و یا آن نوع کلمه را مشخص کرد. علت این امر، نبود نشانه‌های ظاهری روشن در این مقوله دستوری است. به نظر روبینچیک، از آنجا که زبان فارسی نو (دری) از نظر صرف کلمات با زبان‌های فارسی میانه و باستان متفاوت است و در زبان فارسی دری، کلمات نظام صرفی ندارند و جنس آنها نیز مشخص نیست، ناچار مختصات کلمه را باید به کمک کلمات کمکی، ترتیب قرارگیری کلمات در جمله و آهنگ جمله، دریافت. در ادامهٔ بخش مورفولوژی، گونه‌های مختلف کلمه در زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اسم، صفت، قید، فعل، حروف اضافه و ربط، ادات، حروف ندا، اصوات و

کلمات وجهی هریک در بخش‌های جداگانه به صورتی بسیار دقیق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. برخی از مباحثی که رویینچیک در توضیح هریک از گونه‌های مذکور مطرح می‌نماید، در زمانی که وی مشغول نگارش این اثر بوده است و حتی اکنون، تازگی دارد. از جمله، مؤلف در توضیح کلمات وجهی می‌گوید: «در دستورهای زبان فارسی، کلمات وجهی در مقوله‌واژگانی و دستوری مشخصی قرار نمی‌گیرند. اغلب این کلمات را در مقوله‌قیدها و ادات بررسی می‌کنند، اما تفاوت کلمات وجهی با قید در آن است که قید به خبر جمله و ندرتاً به متمم اسمی مربوط است، در صورتی که کلمات وجهی به کلّ جمله مربوط هستند». بخش نحو دستور زبان رویینچیک شاید مهم‌ترین بخش این اثر باشد، چرا که مباحث مطرح‌شده در این قسمت مفصل، اغلب برای نخستین بار ارائه شده‌اند. در آغاز این بخش، رویینچیک می‌نویسد: «علی‌رغم تحقیقات فراوانی که در حوزه‌های مختلف به‌ویژه، درباره‌ی گروه، انواع جمله‌ساده و انواع جملات مرکب وابسته صورت گرفته است، تاکنون کمتر به حوزه‌ی نحو در دستور زبان فارسی پرداخته شده است. هدف دستور زبان حاضر، جمع‌بندی تحقیقات صورت‌گرفته و ارائه‌ی نظریه در اهم مسائل با توجه به درک انتقادی است». رویینچیک در آغاز این بخش به ویژگی‌های کلی نحو فارسی اشاره‌ای می‌نماید: «زبان فارسی از نظر نوع روابط اصلی میان کلمات از زبان‌های تحلیلی و صرفی است. روابط صرفی تنها در نظام فعل مشاهده می‌شود. اغلب برای بیان روابط نحوی میان کلمات در گروه و جملات از شکل کلمات استفاده نمی‌شود. ابزار بیان روابط نحوی در زبان فارسی عبارت‌اند از کلمات کمکی (حروف اضافه، حرف «را»، ادات کمکی) و کسره‌اضافه». در ادامه، درباره‌ی ساختمان گروه و جمله سخن می‌گوید و به انواع روش‌های رابطه‌ی نحوی کلمات در گروه و جمله می‌پردازد. سپس، در خصوص جمله‌ساده بحث می‌کند. در ادامه به طرح مبحثی تازه با عنوان «تقسیم زبان‌شناختی جمله» مبادرت می‌نماید. در نگاه مؤلف، «ترتیب قرارگیری کلمات، آهنگ، حرف تعریف، ضمائر متصل و به عبارت دیگر، ابزارهای ظاهری و دستوری، در تقسیم‌بندی زبان‌شناختی جمله و تشخیص مؤلفه‌های آن در زبان فارسی نقش دارند». جمله‌ساده و عناصر آن پس از این بخش آمده و به روش‌های

بیان نهاد و گزاره دقت شده است. انواع گزاره‌ها در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنگاه عناصر فرعی جمله شامل مقول، متمم اسمی و متمم قیدی و همچنین، روش‌های تشخیص نحوی این عناصر آمده است. قسمت سوم بخش نحو به جمله مرکب اختصاص یافته است. در آغاز این قسمت، روبینچیک به کاستی‌های پژوهشی دربارهٔ جمله مرکب در زبان فارسی اشاره می‌نماید: «در نحو زبان فارسی، علی‌رغم کارهایی که در خصوص دشواری‌های جملات مرکب صورت گرفته، به مسائل ساختار و رده‌شناسی جملات مرکب وابسته و جملات مرکب همپایه بسیار کم پرداخته شده است. مطالعهٔ ابزارهای نحوی‌ای که برای بیان رابطهٔ وابستگی میان جملات به کار می‌روند - از جمله: حروف ربط وابسته و پیوندهای ناهمبایی، تناسب اشکال دستوری گزاره‌های فعلی و ترتیب قرارگیری جملات در درون واحد مرکب - ناکافی است. جملات مرکب همپایه که در ترکیب آنها جملات مرکب وابسته به کار رفته است، یعنی جملات مرکب مختلط، جملات مرکب با رابطهٔ حرف ربطی و بدون حرف ربطی میان اجزاء، جملات مرکب وابسته چند عضوی با وابستهٔ موازی و بی‌درپی، هیچ کدام مطالعه و بررسی نشده‌اند». مترجم گاه از آنچه مؤلف دربارهٔ پژوهش‌های دستور زبان فارسی در ایران بیان می‌کند، رنجیده‌خاطر می‌شود، اما چه چاره از بازگفتن آنچه هست: «در دستورهای زبان و کتاب‌های کمک آموزشی منتشرشده در داخل ایران، کمتر به مسائل نحو، به‌ویژه نحو جمله مرکب پرداخته می‌شود: ویژگی‌های ساختی جملات مرکب وابسته و جملات مرکب همپایه، ابزار نحوی رابطه و اجزاء ترکیبی آنها توضیح داده نمی‌شوند. طبقه‌بندی جملات مرکب وابسته و توضیح انواع آن وجود ندارد. در ایران حتی یک کار تحقیقاتی که به‌طور تخصصی به نحو زبان فارسی پرداخته باشد، وجود ندارد و تنها در کتاب «جمله و ساختمان آن»، نوشتهٔ محمدجواد شریعت (شریعت، ۱۳۴۸) مثال‌هایی از انواع مختلف جملات ساده و مرکب آمده است، اما به تحلیل و طبقه‌بندی آنها پرداخته نشده است. منابع نحو جمله مرکب اصولاً محدود به قسمت‌های مرتبط در دستورهای زبان است که در غالب آنها، تنها توضیح مختصری از جمله مرکب آمده است. در توضیح جملات مرکب وابسته، توجه اصلی بر روی حروف ربط وابسته قرار دارد. تحلیل سایر ویژگی‌های

ساختاری و معنایی جملات مرکب وابسته بسیار ناچیز است. این نواقص در کتاب آ. ک. آرنندس «نحو مختصر زبان ادبی معاصر فارسی» نیز وجود دارد (آرنندس، ۱۹۴۱). این کتاب تاکنون تنها تحقیقی به‌شمار می‌رود که به مسائل اصلی نحو در زبان فارسی می‌پردازد. در پی انواع جملات مرکب همپایه و وابسته و تحلیل معنی‌شناختی و ساختارشناختی آنها به‌صورت مفصل توضیح داده شده است. بعد از آن، گونه‌های مختلف پیرو براساس نقش نحوی یا معنی‌شناختی آنها مورد تفحص واقع شده‌اند. در پایان بخش نحو، روبینچیک معنی را مطرح می‌کند که به‌نظر او، تاکنون توجه هیچ دستورنویسی را جلب نکرده است: «جملات مرکبی که پیوند در آنها از نوع بدون حرف اضافه است، اگرچه از کاربرد فراوانی در زبان فارسی برخوردارند و ساختار نحوی گسترده‌ای را به خود اختصاص می‌دهند، کمتر در نحو جمله مرکب به مطالعه آنها پرداخته شده است. در دستورهای زبان فارسی تعریف مشخصی از انواع ساختاری و معنایی جملات مرکب بدون حرف ربط نیامده و به‌جنبه دستوری این جملات پرداخته نشده است. تاکنون مقایسه‌ای در ویژگی این جملات و جملات مرکب دارای حرف ربط صورت نگرفته است. این نوع از جملات مرکب نه در آثار نویسندگان ایرانی و نه در آثار نویسندگان خارجی، بررسی نشده‌اند. تحقیق کم‌در این نوع از جملات مرکب در زبان فارسی حکایت از آن دارد که این نوع جملات در دستور زبان فارسی تمیز داده نشده‌اند و به‌عبارتی، در زبان‌شناسی عمومی، در تعیین جایگاه این جملات در میان سایر انواع جملات مرکب اختلاف نظر وجود دارد و مطالعه در این مسأله در مقایسه با سایر جملات مرکب ناکافی است».

اما آنچه باید یادآوری شود، آن است که در دهه اخیر استادان دانشمندی در دستور زبان فارسی آثار شایسته و گران‌سنگی پدید آورده‌اند که پس از انتشار دستور زبان روبینچیک منتشر شده‌اند و بی‌گمان برخی از مباحثی که روبینچیک طرح آنها را به خود و یا دیگر زبان‌شناسان روسی نسبت می‌دهد، در مقالات و کتاب‌های استادان دستورنویس ایرانی دهه اخیر آمده است. علاوه‌براین، مسئله مهم دیگری که باید مورد عنایت قرار گیرد، آن است که زبانی که روبینچیک مختصات دستوری آن را بررسی

کرده، زبان ادبی و ژورنالیستی دوره پهلوی و حداکثر اوایل انقلاب است و زبان فارسی به‌ویژه، در سال‌های اخیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته است. بسیاری از مثال‌هایی که براساس آنها، نظریه‌ای مطرح شده، امروز به‌هیچ‌وجه کاربرد ندارند. مترجم این اثر، امیدوار است بتواند دیگر آثار مهم پژوهشگران روس دربارهٔ زبان فارسی را نیز ترجمه و منتشر کند و چشم دارد که استادان دست‌نویسی مشفقانه و بی‌پروا کاستی‌های کار وی را بازگویند تا در چاپ‌های آتی به‌رفع نواقص این اثر توفیق یابد.

از استادان و دوستانی که مترجم را در مراحل گوناگون کار یاری رساندند، بسیار سپاسگزارم. استاد دکتر سعید واعظ‌مرا به ترجمهٔ این اثر مفصل ترغیب کردند و تشویق نمودند. جناب آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده پیوسته و صبورانه پاسخگوی پرسش‌های بی‌شمار من دربارهٔ اصطلاحات رایج در دستور زبان فارسی بودند. جناب آقای ناصر زعفرانچی، مدیر محترم و موفق انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی که زحمت چاپ اثر را پذیرفتند. آقای دکتر احمدعلی حیدری برای لطفی که در معرفی این کار به پژوهشگاه علوم انسانی داشتند و آقای دکتر نوید فیروزی برای ویرایش متن.

پیشگفتار

علی‌رغم سال‌ها تجربه در مطالعه ساختمان دستور زبان فارسی و تعداد کثیر دستورهای زبان و کتاب‌های آموزشی زبان فارسی که در روسیه، ایران و خارج از ایران به چاپ رسیده است، مشکلات فراوانی در زمینه دستور زبان فارسی همچنان برجاست که یا اصلاً بررسی نشده‌اند و یا بررسی‌های صورت گرفته، ناکافی است. درباره بسیاری مسائل دستوری میان زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد و ایشان در حل این مسائل نظرات گوناگونی دارند. کافی است که به مسائلی چون تشخیص اقسام کلام و مقوله‌های دستوری آن، تعیین انواع جملات ساده و مرکب، تعیین ابزار رابطه میان اجزاء جملات ساده و جملات مرکب، تمییز اجزاء کمکی کلام از اجزاء اصلی و غیره اشاره کرد. درباره وضعیت مقوله تخصیص اسم، تشخیص و طبقه‌بندی حروف اضافه اسمی، رابطه معنای افعال و روش‌های هدایت صرفی، تشخیص شکل‌های غیر شخصی فعل و غیره نیاز به استدلال علمی است. تشریح و توضیح کامل نقش‌های معنایی و دستوری مقوله‌های زمان فعل و رابطه آنها با وجه فعل ضروری است. توضیح موارد کاربرد حرف تعریف، پس‌اضافه «را» و مشخص کردن نشانه‌های لازم و اختیاری این دو لازم است.

با توجه به نیاز به مطالعه عمیق‌تر ساختار دستور زبان و کوشش برای بهبود آموزش آن، لازم است دستور زبان کاملی در حوزه زبان فارسی تدوین شود. مطالعه ناکافی ساختمان دستور زبان فارسی، شیوه نگرش متفاوت در ارزیابی و تفسیر بسیاری پدیده‌های آواشناسی، ساخت‌واژی و نحو، انتشار «دستور زبان معاصر فارسی» را بسیار به‌جا و مُبرم می‌نماید.

این دستور زبان از سه فصل تشکیل شده است که خود به بخش‌های دیگری تقسیم می‌شوند. فصل اول، شامل «ساختار آواشناسی و ساخت‌واژی زبان فارسی» است؛ فصل دوم، مربوط به حوزه «ساخت‌واژی» می‌شود و در فصل سوم، به «نحو» پرداخته شده است. توضیح این فصل‌ها به‌صورت هم‌زمانی ارائه می‌شود، اما در پاره‌ای موارد، در تحلیل و تفسیر عوامل مشخص از زبان، از روش در زمانی نیز استفاده شده است.

زبان فارسی به‌لحاظ ویژگی‌های ساخت‌واژی، صیغگی و نحوی خود، دارای ساختمان تحلیلی و صرفی است، بنابراین، در توضیح اقسام کلام در وهله اول، به معیارهای لغوی و دستوری و نیز عوامل واژه‌سازی و جمله‌سازی دقت می‌شود و نیز توجه خاصی به اصطلاحاتی می‌شود که نقش مهمی در شکل‌گیری ساختمان دستوری زبان برعهده دارند. بسیاری از واحدهای اصطلاحی که دارای ساختمان گروه هستند، از نظر ویژگی‌های معنایی و نقشی جزء اقسام کلام به‌حساب آمده و می‌توانند معادل واحدهای لغوی و دستوری مرتبط قرار گیرند (برای مثال: افعال مرکب، اصطلاحات فیدی تابع الگو و غیرتابع الگو). جملات اصطلاحی یا به‌صورت مستقل می‌آیند و یا در ترکیب جملات ساده و مرکب قرار می‌گیرند.

در توضیح مطالب از آثار نویسندگان معاصر ایران، ادبیات علمی، روزنامه‌ها و مجلات فارسی استفاده شده است.^۱ در این دستور زبان از دو دسته مثال استفاده شده است:

۱. عناوین منابع در داخل پرانتز پس از ترجمه آمده و فهرست کامل آنها در پایان کتاب آورده شده است (رک: «عناوین منابع مطالب تشریحی»). منابع ادبیات علمی در داخل پرانتز به شکل: شهرت نویسنده، نام و سال نشر آن، آمده است.

روسیه و پایان‌نامه‌های دکتری در حوزه‌های مختلف دستور زبان که طی دو سه دهه اخیر در روسیه دفاع شده‌اند، استفاده شده است و اساس این کار، مبتنی است بر مشاهدات و تحقیقات چندین و چندساله نویسنده و نیز تجربه در آموزش زبان فارسی در «انستیتو کشورهای آسیا و آفریقا» وابسته به «دانشگاه دولتی مسکو به نام م. و. لمانوسوف» (گروه‌های دوره‌های سوم و چهارم از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۰).

نویسنده از پروفیسور گ. ش. شارباتوف و آ. آ. ویربتنیکوف و نیز نظرات و پیشنهادات همکاران بخش زبان‌های انستیتوی شرق‌شناسی RAN صمیمانه سپاسگذاری می‌کند. مجموعه زبان‌شناسی ایرانی ISSA وابسته به «دانشگاه دولتی مسکو به نام م. و. لمانوسوف» (مدیر گروه پروفیسور و. ب. ایوانوف) از این کار حمایت فراوانی داشته‌اند که خود محرک بزرگی در به سرانجام رسیدن کار بوده است.

وظیفه خود می‌دانم از رئیس «انستیتو کشورهای آسیا و آفریقا» وابسته به «دانشگاه دولتی مسکو به نام م. و. لمانوسوف» پروفیسور م. س. میر به‌خاطر کمک در آماده‌سازی دست‌نویس‌ها برای چاپ، سپاسگزاری نمایم.

صمیمانه از مصحح دستور زبان ب. یا. استروفسکی به‌خاطر نظرات ارائه‌شده در آماده‌سازی دست‌نویس‌ها برای چاپ تشکر می‌کنم. اختلاف نظر در پاره‌ای از مسائل، مانع همکاری ب. یا. استروفسکی و نویسنده این دستور زبان نگردید.

در انتها، خاطرنشان می‌کنم که برای دستیابی به نتایج مطمئن و مستدل باید از مطالب گسترده‌ای استفاده می‌شد، اما پایان هر کار بزرگی نمی‌تواند به‌معنای حل همه مشکلات باشد؛ هرچند کوشش شده تا آنجا که ممکن است به تمامی مسائل پرداخته شود. آنچه گفته شد، به «دستور زبان معاصر فارسی» مربوط می‌شود که نگارش آن سال‌های متوالی به‌طول انجامید.

مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران به علت شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی ای که این کشور چندملیتی در آن قرار گرفته است، تعداد فراوانی زبان و لهجه وجود دارد. همپا با زبان‌های گروه ایرانی در این کشور به زبان‌های ترکی و سامی نیز گویش می‌شود. براساس قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی ایران که در فروردین دسامبر ۱۹۷۹ تصویب شد (بند ۲، ماده ۱۵)، زبان دولتی رسمی کشور زبان فارسی است. این زبان، زبان مادری پارس‌ها که اندکی کمتر از نیمی از جمعیت ایران را به خود اختصاص می‌دهند، به حساب می‌آید. زبان فارسی برای سایر مردم ساکن این کشور (آذربایجانی‌ها، کردها، بلوچ‌ها، لرها، بختیاری‌ها، قشقایی‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، ارمنی‌ها و غیره) وسیله‌ای برای ارتباط اجتماعی به حساب می‌آید. آموزش در مدارس، مؤسسات آموزش متوسطه و عالی، آموزش تخصصی فنی و امور اداری به زبان فارسی صورت می‌گیرد. روزنامه‌ها و مجلات متعدد به زبان فارسی منتشر می‌شوند؛ برنامه‌های رادیو و تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و نمایشنامه‌های تئاتر همه به زبان فارسی است.

رهبری کشور، دولت و گروه‌های سیاسی همیشه توجه خاصی به تحول زبان فارسی داشته‌اند. در همین خصوص، سیاست اعمال‌شده در حوزه زبان، تحت‌تأثیر رهنمودهای

پس از تسخیر ایران توسط اعراب در قرن هفتم میلادی، زبان عربی زبان رسمی ایران گردید و بدین ترتیب، تأثیر فراوانی بر روند تحول زبان فارسی، نظام لغوی و معنایی آن و نیز ساختمان آوایی و دستوری آن گذاشت. اولین دست‌نوشته‌های زبان فارسی در قرن نهم میلادی پدیدار شدند. در دوران حکومت خلیفه عربی، زبان فارسی که در دست‌نوشته‌های آن زمان «پارسی» (شکل عربی‌شده «فارسی») و یا «پارسی دری» (فارسی دری) خوانده می‌شد، عمده‌تأ در داخل خانواده به‌کار می‌رفته است.

فروپاشی خلیفه عربی، امکان پدیدارشدن اولین آثار مکتوب زبان فارسی نو را در ماوراءالنهر، خراسان و بلخ مهیا ساخت. اولین کوشش در نگارش زبان فارسی نو با القای عربی در قرن نهم اتفاق افتاد. لیکن از نوشته‌های این دوران هم‌اکنون چیزی باقی نمانده است. وجود این دست‌نوشته‌ها از روی اطلاعات غیر مستقیمی که از فرهنگ‌های قدیمی و دست‌نوشته‌ها به‌دست آمده، ثابت شده است.

بدین ترتیب، زبان عربی پیوسته از تمامی عرصه‌های زندگی فرهنگی و سیاسی بیرون برده شد و زبان فارسی نو، زبان رسمی دولتی سامانی‌ها گردید (۸۷۵-۹۹۹). کلیه اسناد و دست‌نوشته‌هایی که غیر مرتبط با دین اسلام بودند، به زبان فارسی نوشته شدند. زبان فارسی نو تا پایان قرن پانزدهم، زبان ادبی فارس‌ها و تاجیک‌ها بوده است و مرکز شکل‌گیری آن، شمال شرق ایران، شمال افغانستان و آسیای میانه است. طی قرن‌های نهم تا پانزدهم در این زبان ادبیات شگرفی که عموماً به‌صورت شعر است، شکل گرفت. بعدها این ادبیات، نام ادبیات کلاسیک را به‌خود گرفت.

شکل‌گیری زبان فارسی به‌عنوان زبان ادبی، ارتباط تنگاتنگی با توسعه ادبیات کلاسیک فارسی و تاجیکی دارد. زبان این دوره، علی‌رغم سرزمین وسیعی که در آن به زبان فارسی سخن گفته می‌شده و تأثیر آن بر تصورات بسیاری ملل دیگر، دارای شکل یکسان و نرّم ادبی واحدی است. اسناد فراوانی که برجای مانده‌اند، شاهی بر این مدّعا هستند. این موضوع به‌کمک تحقیقات صورت‌گرفته بر روی دست‌نوشته‌های ادبی مختلف و نیز نوشته‌های تاریخی، جغرافیایی و پزشکی این دوران ثابت می‌شود.

در آغاز قرن شانزدهم، همراه با تغییر فضای سیاسی ایران و آسیای میانه و جدایی برخی مناطق، نشانه‌هایی از تفاوت آوایی، لغوی، معنایی و دستوری در ادبیات فارسی پدیدار شد. این مرحله از توسعه زبان دوره کلاسیک از آغاز قرن شانزدهم تا پایان قرن نوزدهم ادامه یافت. مرکز شکل‌گیری زبان ادبی از شمال شرق به جنوب غرب ایران و استان فارس رسید. پایه لهجه زبان ادبی فارسی تغییر کرد و لهجه‌های جنوب غرب این زبان، مبنای شکل‌گیری لهجه فارسی گردیدند. ویژگی‌های اصلی تلفظ فارسی ادبی که در زبان فارسی معاصر نیز حفظ شده، تأییدی بر این موضوع است. روندی که در تفکیک زبان فارسی نو آغاز شد، منجر به شکل‌گیری زبان‌های محلی برپایه لهجه‌های محلی گردید. علائم پیداشده در ملی قرن‌های شانزدهم تا هجدهم در واج‌شناسی، لغت، دستور و معنا حکایت از همین موضوع دارد. با توجه به واقعیت‌های زبانی که در شرایط اجتماعی و سیاسی و روابط بین دول شکل گرفت، در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، سه زبان هم‌خانواده پدیدار شد: فارسی در ایران، تاجیکی در آسیای میانه، فارسی کابلی (دری) در افغانستان.

در ادبیات علمی زبان فارسی منتشرشده در داخل روسیه و خارج از آن، دوره‌بندی دقیقی از توسعه تاریخی زبان فارسی نو وجود ندارد. این امر عموماً منجر به نسبت‌دادن پدیده‌های خاص زبانی دوره کلاسیک به زبان ادبی فارسی معاصر (مخصوصاً در آثار نویسندگان ایرانی) می‌شود. زبان معاصر و کلاسیک ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، اما این دو، مراحل مستقلی از تحول زبان فارسی نو هستند و در لغت، دستور، آوا و حتی نوشتار با یکدیگر متفاوتند.

در اواسط و اواخر قرن نوزدهم، زبان ملی فارسی پدیدار شد که باعث توسعه نظام سرمایه‌داری در ایران، گرایش به اتحاد اقتصادی مناطق و نواحی کشور و قدرت‌بخشیدن به حکومت مرکزی گردید. در این دوره، زبان ادبی ساده‌تر شد و سبک‌های آن مردمی‌تر گردید و نیز تعداد زیادی از کلمات اقتباسی از زبان‌های اروپایی که عمدتاً کلمات و عبارات فرانسوی بودند، وارد زبان فارسی شدند.

روش توضیح قوانین دستور زبان عربی که دارای تجربه مطالعه چندین ساله بوده، تبعیت می‌نماید. تشخیص سه قسم کلام: اسم، فعل، حرف نیز حاکی از همین امر است. صرف و نحو را نیز مشخص کرده بودند.

در اینجا، باید از نوعی دستور زبان که خاص ترجمه است، نام برد. نگارندگان این نوع دستورهای زبان، مترجمان دستور زبان‌های ترکی و اروپای غربی بوده‌اند. ایشان کوشش کرده‌اند تا این دستورهای زبان را از راه توضیح مطالب با مثال‌هایی از زبان فارسی، مناسب زبان فارسی گردانند.

به‌طور سنتی در تمامی آثار، توجه عمده بر ساخت‌واژی (صرف) قرار دارد. همین مسئله موجب شده است که نحو در زبان فارسی گسترش نیابد.

دستور زبان حبیب اصفهانی که در سال ۱۹۲۹ در استانبول با هدف کمک به مطالعه زبان فارسی به نام «دبستان فارسی» به چاپ رسید، جایگاه خاصی در ادبیات دستوری زبان فارسی دارد. در این دستور زبان کوشش شده است به روشی جدید با مطالعه ساختمان دستور زبان فارسی برخورد و توصیف دستوری زبان فارسی از تأثیر مکتب دستور زبان عربی، دور شود. در این اثر، استفاده فراوانی از تجربه‌های نگارش دستورهای زبان ترکی و اروپای غربی شده و در آن، ده نوع کلمه مشخص شده است که با مفاهیم اقسام کلام تطابق دارد. با این حال، طرخی که اصفهانی برای طبقه‌بندی کلمات در زبان فارسی پیشنهاد کرده است، ترتیب منطقی ندارد. البته این دستور زبان نقش مثبت خود را ایفا کرد و بعدها دیگر دستورنویسان دیگر این مسیر را ادامه دادند.

اصفهانی پیشنهاد جایگزین ساختن «صرف و نحو» عربی با اصطلاح ادبی «دستور» را داد و این اصطلاح گسترش فراوانی در ایران یافت. میرزا حبیب اصفهانی به حق یکی از مؤسسان مکتب دستور معاصر در ایران به حساب می‌آید.

در سال‌های ۵۰-۶۰ قرن بیستم، دو مکتب اصلی در مطالعه دستور زبان فارسی شکل گرفت: مکتبی که تا حد زیادی بر سنت دستور زبان عربی استوار بود و مکتبی که تاحدی برپایه سنت عربی و تا اندازه‌ای بر تجربه ایجاد دستور زبان‌های اروپای غربی اتکاء داشت. طبیعی است که آثاری وجود دارند که در موقعیت میانی میان این دو مکتب قرار می‌گیرند.

در اکثر این آثار، از اصطلاحات زبان‌شناسی عربی استفاده شده است. در برخی از دستورهای زبان، اصطلاحات فارسی را جایگزین اصطلاحات عربی ساخته‌اند و برای بیان مفاهیم جدید، اصطلاحات جدیدی بر پایهٔ تکواژهای فارسی ساخته‌اند. برای مثال، باید به آثار پرویز ناتل خانلری و محمدرضا باطنی اشاره کرد. در اینجا باید بر جنبهٔ منفی به‌وجود آمدن اصطلاحات متعدد برای بیان مفاهیم یکسان نیز اشاره نماییم. بی‌سروسامان بودن اصطلاحات زبان‌شناسی مانع درک متقابل زبان‌شناسان شده و کیفیت کارهای منتشرشده را پایین آورده و در نتیجه، مانع بالابردن سطح تحقیقات دستور زبان گردیده است.

همهٔ دستورهای زبان فارسی عموماً بر جنبهٔ نوشتاری زبان ادبی توجه دارند. مرکز توجه بر ساخت واژگی، ساختار کلمه و واژه‌سازی معطوف است. در تمامی دستورهای زبان به نحو (به‌ویژه، نحو گروه و جملهٔ مرکب) به‌طور یکسان پرداخته نشده است. در بسیاری از دستورهای زبان، بخش نحو اصلاً وجود ندارد و برای توضیح مطالب عمدهٔ امثال‌هایی از شعر کلاسیک آورده شده است.

در میان دستورهای زبان فارسی که در ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به چاپ رسیده است، دستور زبان پرویز خانلری (خانلری، ۱۳۵۱)، همایونفرخ، خیامپور (خیامپور، ۱۳۳۴)، دستور زبان دو جلدی دورهٔ متوسطه به نگارش نویسندگان شهیری چون پروفیسور بهار، فروزانفر، قریب، همایی و یاسمی (بهار، فروزانفر و دیگران)، شهرت بسیاری یافته‌اند. اثر آخری که از آن نام برده شد، کاربرد فراوانی یافته است و نمونه‌ای برای نگارش سایر دستورهای زبان گردیده است. در مؤسسات آموزش عالی از دستورهای زبان مختلف نوشتهٔ پرویز ناتل خانلری، محمد معین، محمدرضا باطنی، محمدجواد شریعت و دیگران استفاده می‌شود.

مقاله‌های فراوانی در حوزهٔ مسائل مختلف دستور زبان در مجله‌های «سخن»، «راهنمای کتاب»، مجله‌های زبان‌شناسی دانشگاه‌های تهران، مشهد و تبریز به‌چاپ می‌رسد. بالغ بر ده سال است که مجلهٔ «زبان‌شناسی» منتشر می‌شود و سردبیر آن در این ده سال، زبان‌شناس مشهور ایرانی، دکتر علی‌اشرف صادقی بوده است. در این مجله، نه تنها

مقالات نویسندگان ایرانی، بلکه دانشمندان و زبان‌شناسان سایر کشورها نیز به چاپ می‌رسد.

نگاهی گذرا به مطالعه دستور زبان فارسی در کشورهای اروپایی و روسیه می‌اندازیم. مطالعه زبان فارسی در اروپا و روسیه در وهله اول با انگیزه برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با ایران بوده است. اولین دستورهای آموزشی در مطالعه زبان فارسی در اواخر قرن هجدهم پدید آمد. در قرن نوزدهم، دستورهای زبان در قالب کتاب آموزشی نوشته می‌شدند. این دستورهای زبان تنها حاوی قوانین دستوری نبوده و در آنها از متون و فرهنگ‌های لغت نیز استفاده می‌شده است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، دستورهای زبان در حوزه ریشه‌شناسی پدیدار شدند: پ. هرن (Horn, 1901)، یو. پلتس و گ. پنکینگ (Platts, Ranking, 1911)، دستورهای زبان د. فیللوت (Phillot, 1919)، ا. لمبتون (Lambton, 1953)، زبان‌شناس آلمانی خ. یسن (Jensen, 1931) شهرت فراوانی یافته است. کامل‌ترین دستور زبان فارسی مربوط به زبان‌شناس فرانسوی ر. لازار است (Lazard, 1975).

زبان‌شناسان زبان فارسی در سراسر دنیا، دستورهای دانشمندان روسی را در مطالعه ساختمان دستور زبان فارسی مهم ارزیابی کرده‌اند. در اینجا، باید از آثار ک. گ. زالمان و و. آ. ژوکفسکی «دستور مختصر زبان فارسی نو» (زالمان، ژوکفسکی، ۱۸۹۰) به‌خاطر دقت در پرداختن به ساختار زبان و سبک بالای علمی نام برد. دستورهای زبان م. جعفر (جعفر، ۱۹۰۱)، ی. ا. برتلس (برتلس، ۱۹۲۶)، ل. ای. ژیرکوف (ژیرکوف، ۱۹۲۷)، و. س. راستارگویوا (راستارگویوا، ۱۹۵۰، ۱۹۵۳)، دستور زبان‌های نوشته‌شده در حق: آ. ک. آرنس (آرنس، ۱۹۴۱)، ل. س. پیسیکوف (پیسیکوف، ۱۹۵۹) و دیگران بسیار شهرت یافته‌اند. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم از پایان‌نامه‌های دکتری در مسائل مختلف دستور زبان دفاع شد و کارها و مقاله‌های فراوانی در حوزه دشواری‌های ساختمان دستور زبان فارسی به چاپ رسید. در دستور زبان حاضر کوشش شده است نظر منتقدانه‌ای بر آثار منتشره طی چهار پنج دهه اخیر جمع‌بندی و از آنچه در این آثار ارزشمند بوده است، استفاده شود.